

شیعه از منظر هیکل (ترجمه و نقد مقاله هیکل و الشیعه)

ترجمه مقاله هیکل و شیعه که در مجله الموسوم شماره ۶۰ سال ۱۴۲۸ هـ ق از صفحه ۱۰۷ تا ۱۱۲ چاپ شده است و نقد اجمالی نظرات محمدحسین هیکل درباره شیعه.

محمد خان بیگی*

چکیده

اندیشمندان و روشنفکران زیادی درباره‌ی تاریخ ایران، اسلام و تشیع قلم زده‌اند که یکی از مهم‌ترین آنان، محمد حسنین هیکل از روزنامه‌نگاران، سیاستمداران و اندیشمندان مصری است. هیکل در مقاله‌ای که درباره‌ی شیعه نگاشته است، به جایگاه امام علی علیه السلام در تاریخ اسلام و مسئله‌ی امامت، جایگاه امام حسین علیه السلام در شکل‌دهی به شیعه، حدیث تقلین و تفسیر شیعی و سنی از آن، رفتار سوء بنی‌امیه و بنی‌عباس با شیعیان و منابع مالی علمای شیعه پرداخته است.

واژه‌های کلیدی

هیکل، علماء، تشیع

*. دانش آموخته سطح سه گرایش شیعه‌شناسی مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا علیه السلام.

مقدمه

تبیین موضوع

روشنفکران و دانشمندان زیادی درباره تاریخ ایران و اسلام قلم زده‌اند؛ لنچافسکی و گرانت واتسن از غرب و پتروشفسکی و ایوانف و گروهی دیگر از شرق. همچنین نیکی. ر. کدی و نویسندگان و صاحب‌نظرانی چون فرد هالیدی، حامد الگار، کلیم صدیق، اما در این بین محمدحسین هیکل در قاعده ما یک استثناء است. هریک از این نویسندگان در ذکر حوادث تاریخی اخیر و تحلیل زمینه‌های فکری جنبش اسلامی، از سبکی خاص برخوردارند. فرد هالیدی به تحلیل کلی و همه‌جانبه ساخت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران دست می‌زند. نیکی. ر. کدی تاریخ حوادث و نهضت‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. الگار و صدیق بیشتر جنبه‌های ایدئولوژیک انقلاب را مدنظر دارند و هیکل با نکته‌سنجی و شیوه خاص روزنامه‌نگاری خود بیشتر به افشای زوایای مبهم حوادث و ذکر جنبه‌های حساس زندگی، افکار و فعالیت‌های قهرمانان خود می‌پردازد. از این رو آثار و نوشته‌های او جذابیت و گیرایی خاصی دارد.^۱

قلمرو بحث

در این نوشتار تلاش شده است مقاله «هیکل و الشیعه» که در شماره ۶۰ مجله الموسم به زبان عربی چاپ گردیده است، به فارسی ترجمه گردد و نقدی اجمالی بر آن تحریر گردد.

پیشینه

محمدحسین هیکل کتاب‌ها و مقالات زیادی به رشته تحریر درآورده و مترجمان نیز در مقدمه کتاب‌هایشان تحلیل‌هایی بر نوشته‌های هیکل دارند و بعضی هم او را در مقدمه ترجمه خود نقد کرده و مورد انتقاد قرار داده‌اند.^۲ بعضی از نوشته‌های وی به صورت پراکنده ترجمه شده است ولیکن تاکنون ترجمه‌ای از مقاله «هیکل والشیعه» ندیده‌ام. در بخش ترجمه تلاش گردیده است تا امانت‌داری حفظ گردد.

۱. ایران روایتی که ناگفته ماند، ص ۱۱.

۲. ایران روایتی که ناگفته ماند، صص ۱۵، ۱۶.

سازمان دهی تحقیق

این مقاله در چهار بخش تنظیم گردیده است. بخش اول به مقدمه و بخش دوم به ترجمه مقاله «هیکل و شیعه» اختصاص یافته است و بنا بر حفظ امانت داری در ترجمه است. در بخش سوم به نقد اجمالی بعضی از قسمت‌های مقاله هیکل پرداخته شده است.

مفاهیم

۱- محمدحسین هیکل، متولد ۲۳ سپتامبر ۱۹۲۳^۱ و فرزند خاورمیانه است و در محیطی اسلامی نشو و نما کرده است. او کم‌وبیش با اندیشه‌ها و روحیه مردم مسلمان آشنا است.^۲ او یکی از معروف‌ترین روزنامه‌نگاران نخبه و سرشناس مصر^۳ و جهان عرب^۴ و سیاستمدار است. دوران نخست تکوین حرفه روزنامه‌نگاری را در سال‌های ۴۴-۱۹۴۲ در روزنامه خارجی زبان مصر «اجپیشن گازت» گذراند^۵ و برای نخستین بار در بهار سال ۱۹۴۶ وارد روزنامه اخبار الیوم شد^۶ و به‌عنوان معاون دبیر حوادث آغاز به کار کرد.^۷ او خود می‌گوید:

«در شکل‌گیری زندگی مطبوعاتی‌ام دو نفر تأثیر آشکاری داشتند: یکی «اسکات واتسون» که علاوه بر لیاقت حرفه‌ای‌اش، روشنفکر چپی بود و تجربه جنگ داخلی اسپانیا، شخصیت فکری و انسانی او را آبدیده کرده بود. دیگری «هارولد ایرال» سردبیر «گازت» که روزنامه‌نویسی کلاسیک و توانا بود و درعین حال در سمت خبرنگار روزنامه منچستر گاردین در مصر کار می‌کرد.»^۸

۱. سایت ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد.

۲. ایران روایتی که ناگفته ماند، ص ۱۵.

۳. ایران روایتی که ناگفته ماند، ص ۱۵؛ بریدن دم شیر، ترجمه دکتر حسین ابو ترابیان، ص ۸؛ ۲۴ ساعت آخر عمر جمال عبدالناصر، ترجمه غلامرضا سعیدی، ص ۳.

۴. الموسم، شماره ۶۰، ص ۱۰۷.

۵. در میان مطبوعات و سیاست، ص ۱۷.

۶. همان، ص ۱۷.

۷. همان، ص ۱۸.

۸. همان، ص ۱۷.



هیکل به‌عنوان یک شاهد مصری در جنگ جهانی دوم حضور داشت.^۱ مدتی به‌عنوان دبیر تحریریه روزنامه «آخر ساعه» که از هواداران وفد بود وارد شد^۲ و پس از واگذاری «آخر ساعه» به هفته‌نامه «اخبار الیوم».^۳ در سن ۲۳ سالگی پیشنهاد سردبیری مجله «الائتین» که توسط «دارالهلل» منتشر می‌شد را رد نمود.^۴ سپس به سمت سردبیر «اخبار الیوم» و معاون سردبیر «آخر ساعه» منصوب گردید^۵ و به دلیل مجموعه گزارش‌های التور به مدت ۵ سال، سه جایزه «فاروق» مطبوعات عربی را به خود اختصاص داد.^۶ در سال ۱۹۵۵ ازدواج کرد.^۷ او در سال ۱۹۵۷ به‌عنوان سردبیر روزنامه «الاهرام» انتخاب گردید.^۸ در زمان جمال عبدالناصر وزیر کشور بود و سه روز پس از درگذشت جمال عبدالناصر در سوم اکتبر ۱۹۷۰ استعفای خود را اعلان نمود.^۹ او در حسن روابط ایران و مصر نقش بسزایی داشت.

این نویسنده معروف مصری در اوج بحران ملی کردن صنعت نفت در ایران به‌عنوان خبرنگار روزنامه اخبار الیوم در تهران مشغول کار بود.^{۱۰} در این مدت یک ماه حوادث آن ایام را به روزنامه «اخبار الیوم» چاپ قاهره گزارش می‌کرد و سپس مجموعه مقالات خود را در این باره، با عنوان: «ایران فوق برکان» - ایران بر روی آتش‌فشان - توسط «اخبار الیوم» و به‌عنوان مهم‌ترین کتاب سال، منتشر ساخت. نسخه‌های این کتاب که در سال ۱۳۳۰ در قاهره چاپ شد و مطالب آن از قول یک شاهد، می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، به‌سرعت نایاب گردید. علاوه بر مطالب، در این کتاب عکس‌های جالبی هم که جنبه تاریخی دارد و توسط خبرنگار و عکاس روزنامه «اخبار الیوم» تهیه شده است،

۱. همان ، ص ۱۸.

۲. همان ، ص ۲۰ و ۲۱ و ۲۲.

۳. همان ، ص ۲۳.

۴. همان ، ص ۲۴.

۵. همان ، ص ۲۶.

۶. همان ، ص ۲۹.

۷. همان ، ص ۳۲.

۸. همان ، ص ۵۱.

۹. همان ، ص ۲۸۲.

۱۰. ایران روایتی که ناگفته ماند، ص ۱۲.

منتشر شده است. ماهنامه شاهد یاران، فصل چهارم این کتاب را از صفحه‌های ۷۵ تا ۹۸ از متن عربی، ترجمه کرده است.^۱

آثار علمی (کتاب‌ها و مقالات)

سبک آثار علمی

بهترین معرف هیکل، سبک او در ذکر حوادث تاریخی و ارائه افکار و آراء شخصیت‌ها و سیاستمداران در کتاب‌هایی نظیر «جنگ رمضان»، «روس‌ها و عرب‌ها»، «میعاد با خورشید»^۲ است. سبک او بیشتر روزنامه‌نگاری است.^۳ سعی دارد مسائل ناگفته یا فاش نشده‌ای را که آگاهی از آن برای خوانندگان جالب به نظر می‌رسد به رشته تحریر درآورد.^۴ نوشته‌ها و تحلیل‌های او پیرامون مسائل خاورمیانه و جهان عرب در ایران، از شهرت بسزایی برخوردار است.^۵ نویسنده‌ای آشنا و علاقه‌مند به مسائل ایران با توجه به نخستین اثر او پیرامون نهضت ملی ایران در اواخر دهه ۲۰ و اوایل دهه ۳۰ بنام (ایران فوق برکان) - ایران بر روی آتش فشان - است.^۶ در آثار خود اغلب به ذکر حوادثی می‌پردازد که خود شاهد وقوع آن‌ها بوده است و یا جریان‌ات را از زبان کسانی نقل می‌کند که با آن‌ها برخورد مستقیم داشته است.^۷

بعد از کودتای ۲۸ مرداد مسیر حوادث ایران را دنبال کرد. با رهبران آن در پاریس و تهران گفتگو داشت و در جریان اشغال سفارت آمریکا در تهران بود، او از سفارت دیدار و با دانشجویان گفتگو داشته است.^۸

از جمله تألیفات او: حیات محمد، بر سر دوراهی، ایران فوق برکان، میان مطبوعات و سیاست، ۲۴ ساعت آخر عمر ناصر، حزب الثلاثین سنه، اکنون نوبت آسیاست، سقوط

۱. سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی: www.irdc.ir، کد مطلب ۵۸۸۳.

۲. ایران روایتی که ناگفته ماند، ص ۱۱.

۳. همان، ص ۱۱.

۴. همان، ص ۶.

۵. همان، ص ۱۰.

۶. همان، ص ۱۰.

۷. همان، ص ۱۱.

۸. همان، ص ۱۲.

محرمات، پاییز خشم، راهی به سوی رمضان، روس‌ها و عرب‌ها، سرگذشت سیاسی ناصر، گفتگوهای سری میان اعراب و اسرائیل، موقعیت اعراب و اسرائیل، میعاد با خورشید، دیداری تازه با خورشید و...

منظور از شیعه در مقاله، شیعه امامی یا اثناعشری است. منظور از نقد اجمالی در این مقاله، نقد اسنادی و تحلیلی است. روش هم در این مقاله روش انتقادی است.

هیکل و ایران

محمدحسین هیکل یکی از معروف‌ترین روزنامه‌نگاران مصر و جهان عرب به حساب می‌آید. درعین حال دوست و حافظ اسرار جمال عبدالناصر بود. قبل از روزنامه‌نگاری شناخت خوبی از شیعه داشت و روزنامه‌نگاری تأثیرگذار در خاورمیانه برای روزنامه اخبار الیوم بود. از زمانی که بحران صنعت نفت در ایران در سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۵۱ اوج گرفت، به ایران رفت و سال‌های زیادی در ایران ماند و به مناطق زیادی سفر کرد و با تمام رهبران سیاسی سابقه‌دار دیدار کرد مثل؛ سید ضیاءالدین طباطبایی، قوام‌السلطنه، دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی که در آن روز از مهم‌ترین شخصیت‌های دینی در ایران بود.

همچنین خواهر دوقلوی شاه، اشرف را می‌شناخت که همسر سابق دوست مصری‌اش احمد شفیق بود. او خلاصه‌ای از تجربه این سفر را در ضمن کتابی با عنوان ایران فوق برکان در سال ۱۹۵۱ نوشت.

علاقه ویژه هیکل به ایران استمرار داشت تا این‌که در انقلاب ۱۹۵۸ عراق، در آن کشور مستقر شد و بر تمامی اسناد حکومتی دست‌یافت و آن‌ها را به وسیله هواپیما به قاهره فرستاد، روزهای اولیه انقلاب، رهبر عراق عبدالکریم قاسم دوست و شیفته عبدالناصر بود، قبل از آن‌که تنش بین آن دو به وجود آید. همچنین روابط بین ایران و مصر آشفته شد و در نهایت روابط سیاسی بین دولت ایران و مصر قطع شد. هیکل مترصد فرصت بود تا راهی برای روابط بین ایران و مصر پیدا کند. او این موضوع را سال ۱۹۶۹ گوشزد کرده بود و در دسامبر ۱۹۷۰ محقق شد.

در دسامبر سال ۱۹۷۸ امام خمینی را در پاریس (نوفل‌لوشاتو) دیدار کرد و ساعاتی

صحبت کرد. بعد از پیروزی انقلاب در قم نیز ملاقات نمود و با پسرش سید احمد و نوه اش سید حسین صحبت نمود. هیکل با ابوالحسن بنی صدر، مهدی بازرگان و ابراهیم یزدی، ملاقات نمود. با تعدادی از دانشجویانی که سفارت آمریکا را در تهران اشغال کرده بودند دیدار کرد و به عمق احترامشان به عبدالناصر و دکتر مصدق پی برد؛ دو رهبری که بیشتر به بحث ملی گرایی تأکید داشتند تا اسلام. هیکل با دانشجویان تبادل رأی کرد و گفت آن دو عنصر اساسی که عرب را یک امت واحد قرار داده است، یکی بحث زبان است و دیگری بحث فرهنگ. صحبت کردن در مورد تاریخ عربی و قومیت عربی، در واقع صحبت کردن از اسلام است.

در بسیاری از آراء هیکل راجع به ایران، انقلاب ایران مانند گلوله‌ای محسوب می‌شود که از قرن هفتم شلیک شده و در قلب قرن بیستم استقرار پیدا کرده است. او کتابی با عنوان مدافع آیت‌الله به زبان انگلیسی نوشت که در سال ۱۹۸۲ به عربی ترجمه شد.

ترجمه مقاله هیکل و شیعه

به یقین روشن است که حضرت فاطمه دختر رسول خدا که بعد از وفات پیامبر زنده بود، علی بن ابی طالب - شوهرش - را به رهبری اختیار کرد. او فقط شوهر دختر پیامبر نبود بلکه پسرعموی پیغمبر هم بود بلکه فرزند (تبنی) پیامبر بود. به استثناء حضرت خدیجه - همسر اول پیامبر ﷺ - حضرت علی ﷺ اول کسی بود که اسلام آورد. در حالی این عقیده جدید (اسلام) را انتخاب کرد که هنوز در سن نوجوان کوچک بود. این یعنی اینکه حضرت علی ﷺ هیچ بتی را عبادت نکرد، در مکه‌ای که محل بت پرستی بود برعکس همه کسان دیگری که اسلام را قبول کردند (و مدتی بت پرست بودند). زمانی که حضرت محمد ﷺ از مکه به مدینه هجرت کرد، همانا علی ﷺ آن هجرت را پوشش داد. همچنین جانشین و حامل پرچم پیامبر در فتوحات اولیه مسلمین بود. همان طور که در جنگ احد ۱۶ زخم برداشت. از همان موقع تا آن چه کسی این امتیاز را دارد که رهبر مسلمین قرار گیرد؟ آیا برای علی حقی ثابت در جانشینی پیامبر نیست؟ ولی دیگران به گونه‌ای مختلف فکر می‌کنند!



به نظر هیکل در پشت پرده مشکلات خلافت، مجموعه‌ای پیچیده از نیرو و مقاصد (اغراض و عوامل) قبلی و اجتماعی و اقتصادی بود که تا آلان آثارش در جهان اسلام، واضح و روشن است.

کشته شدن عثمان در قرن هفتم (م)، جرقه‌ای بود که باعث جنگ‌های داخلی و تقسیم شدن مسلمین شد. این تقسیم شکافی ایجاد کرد که آثار ظاهری آن تاکنون در تاریخ اسلامی ادامه دارد.

بعد از فوت علی علیه السلام، تقسیمات اساسی برای شیعه علی علیه السلام روشن شد و موضوع تنها ولایت برای مرد یا خانواده‌اش نیست. از قبل اسم علی با فقرا در مکه و مدینه آغاز شده بود و این جریان انقلابی در اسلام به پیام اجتماعی محمد صلی الله علیه و آله و سلم استمرار داد.

ابوذر غفاری که یکی از فیلسوفان صدر اسلام و داخل در حزب علی است، از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که فرمود: سه چیز برای همه هست؛ آتش و آب و حقیقت. زمانی که ابوذر این سه چیز اساسی را برای تولید در حیات جامعه عربی بیان می‌نمود، ۱۳ قرن قبل از مارکس هشدار می‌داد.

در پاییز سال ۶۸۰ میلادی، امام حسین علیه السلام با خانواده و اصحابش مدینه را به طرف صحرا ترک کرد، در حالی که قصد کوفه پایتخت قدیمی پدرش را داشت. این قصه‌ای شد که در تاریخ نقل می‌شود؛ یاران امام حسین اندک بودند و نیروهای یزید زیاد بودند و او را در کربلا محاصره کردند و نیروهای یزید خدعه کردند، این حادثه به شکل یک فاجعه انسانی درآمد و این یک درد خصوصی راسخ در وجدان شیعه شد، مثل دردهای حضرت مسیح برای مسیحیان. وقتی هم که امام حسین دید راهی جز جنگ نیست و او هم عاشق شهادت بود رفت و شهید شد و بعدها هم عده‌ای از شیعیان علی علیه السلام شهید شدند.

هیکل محور اختلاف بین سنی و شیعه را حول یکی از احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌بیند: «ترکت فیکم ما لو تبعتموه لن تضلوا؛ کتاب الله و سنتی». اهل سنت این حدیث را به قرآن و سنت محمد رسول الله تفسیر کردند ولی شیعه یک عبارت دیگری به آن اضافه کرده‌اند و به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت دادند «کتاب الله و عترتی اهل بیتی». اهل سنت تأکید دارند

شیعه از منظر هیکل

که خلفای محمد ﷺ فقط مفسر شریعت هستند و معصوم نیستند و مانند بقیه مردم خطا می‌کنند، درحالی‌که شیعه ایمان دارد به اینکه محمد ﷺ در زمان حیاتش، خودش مفسر بود و بعد از وفات پیامبر، ائمه علیهم السلام مفسر قرآن هستند و باید احراز شود که این امامان، از طریق فاطمه و علی علیهما السلام به پیامبر منسوب می‌باشند. چون علی و اهل بیت او، آن رسالت را به احسن وجه تحویل گرفتند، درحالی‌که اهل سنت اعتقاد به اجماع (اهل حل و عقد) دارند، شیعه ایمان دارد به اینکه خلافت شبیه حق الهی است. اکثریت شیعه معتقد است که ائمه در هر زمانی حضور دارند و مشغول ارشاد مردم هستند تا اینکه نوبت به امام دوازدهم رسید که از سال ۸۷۳ م از نظر غایب شد و منتظر بازگشت او هستند. بازگشت مهدی که معصوم است. وقتی که برگردد در عالم، عدل را اقامه می‌کند و فقرا را آزاد می‌کند، ولی تا آن موقع که ایشان ظهور کند باید راهی برای تفسیر شریعت الله باشد و ما برای رسیدن به این مسئله باید از طریق کسانی وارد شویم که معرفت علوم دین را دارند که فقها هستند و به منزله نواب امام حساب می‌شوند.

عده‌ای برای عمیق‌تر شدن این شکاف بین مسلمین از قرن اول اسلام در این دعوی دنیوی دست‌به‌دست هم دادند. پس بعد از شهید شدن علی علیهما السلام و امام حسین علیهما السلام شیعیان پخش شدند و هرکجا اهل سنت آنان را می‌گرفتند، اذیت زیادی می‌کردند. حتی خلفای امویین که از دمشق بر امپراتوری اسلامی حکومت می‌کردند، ملاک و محک ایمان را دشنام به علی و اولاد علی قرار دادند. سزای سستی در این امتحان مرگ بود. شیعه برای رهایی از این وضعیت، به تقیه رو آورد. تقیه یعنی از نظر شرع، انسان مجاز است، در زمانی که گرفتار دشمن می‌شود و یا زندگی‌اش در خطر باشد، غیر از آن چیزی که در باطن اعتقاد دارد، بروز دهد. شیعه به‌طور قطع، اتباع زیادی، بین مخالفین حکومت مرکزی که مظلوم واقع شده بودند از قبیل فقرا، کنار گذاشته شده‌ها و اقلیت‌های مذهبی پیدا کرد. همچنین آن افرادی که کشورشان فتح شد و اسلام را قبول کردند، ولی در عین حال به سنت‌های ملی خود هم تعصب زیادی داشتند مثل فارس‌ها، به شیعه‌گری رو آوردند.

زمانی که در قرن هشتم سلطنت در امپراتوری اسلامی از خلفای اموی در دمشق به



خلفای عباسی در بغداد انتقال یافت، گمان می‌رفت که روزهای خوبی برای شیعیان علی باشد، اما این اتفاق نیفتاد. اموی‌ها زمانی که حکومت می‌کردند، تحت تأثیر تمدن روم شرقی بودند و عباسی‌ها تحت تأثیر ایرانی‌ها بودند. ایرانی‌ها در کنار عباسیان بودند، ولی چون این‌ها خود را موالی عرب می‌دانستند و با آنکه شهرت زیادی داشتند، نویسنده، شاعر، فیلسوف و... بودند ولی خود را از عرب‌ها، یک مرحله پایین‌تر می‌دانستند. هرچند امتیازات زیادی داشتند ولی توانایی آن را نداشتند تا حکومت را تصاحب نمایند. می‌توانستند شروع نمایند اما نمی‌توانستند بلا واسطه حکومت نمایند. با وجود اینکه در هزاره بعدی در بعضی از برهه‌های زمانی و در برخی مکان‌ها - به‌عنوان مثال فاطمیان در مصر یا در یمن - شیعه به حکومت رسید، اما اغلب شیعیان را به‌جز در سرزمین فارس از بین می‌بردند.

کلام آخر آن‌که یکی از مسائل مورد بررسی هیکل درباره یکی از مهم‌ترین نقاط اختلاف بین رجال دینی شیعه و سنی است که وضعیت مالی مستقل آن‌ها است. در کشورهای سنی مسائل مالی دینی را دولت پیگیری و تأمین می‌کند و سپس بخشی از آن را به عالمان دینی می‌دهد اما مجتهدان شیعه، حقوقشان را به‌صورت مستقیم از اتباع و مکلفین می‌گیرند، از طریق پولی که به مسجدها و مدارس هدیه می‌شود و یا از راه‌های دینی دیگر. همچنین حق دارند که خمس مال مردم را بگیرند و خرج کنند و زمانی که رضاشاه می‌خواست قدرت علمای دین را محدود کند و مثل اهل سنت، عالمان دینی را حقوق‌بگیر دولت نماید، با آن مقابله شد و نه تنها علما مخالفت کردند بلکه مردم آن‌ها هم مخالفت کردند، مردم مدام به علما کمک رسانیدند و رضاشاه منصرف شد. شهروندان ایرانی حاضرند که مأمور مالیات را فریب دهند ولی هیچ‌وقت به امام یا نائب امام نیرنگ نمی‌نمایند.

فهرست منابع

۱. هیکل، محمدحسین، **موقعیت اعراب و اسرائیل**، ترجمه بهمن رازانی، تهران: انتشارات پیشگام، بی تا.
۲. _____، **بریدن دم شیر**، ترجمه دکتر: حسین ابوترابیان، انتشارات اطلاعات، تهران ۱۳۶۷.
۳. _____، **۲۴ ساعت آخر عمر جمال عبدالناصر**، ترجمه غلامرضا سعیدی، قم: چاپخانه حکمت، ۱۳۵۰.
۴. _____، **سرگذشت سیاسی ناصر**، ترجمه شهرام، چاپ دوم، بی جا، انتشارات دنیای کتاب، آبان ۱۳۵۰.
۵. _____، **ایران روایتی که ناکفته ماند**، ترجمه احمدی، بی جا، بی تا.
۶. **هفته نامه الموسوم**، شماره ۶۰ سال هجدهم، ۱۴۲۸ هـ

